



حماد انقلاب

در خزان هم آرزو دارم بهار انقلاب
تار و پود هستی ام دارد شعار انقلاب
شاخ و برگ این درخت زندگی پر بار و بر
سبز و شاداب است دایم به از هار انقلاب
ریزه های ذره را خود ریزه های دیگر است
در دل هزاره بینی اشتهار انقلاب
موج و ذره ماده را تمثیل کردی در جهان
جنبشی دارد پی آمد خود نگار انقلاب
از خم این زندگی سرشار و سرمستی چرا؟
ای مبارز لحظه ای دریاب خمار انقلاب
بود این هستی نمود خویش سازد آشکار
در تکاپو ماده را یابی شکار انقلاب
از نوای زندگی ساز نوی آید پدید
نغمه ای این ساز نو اندر دیار انقلاب
زیر و بم، پست و بلند، تاریک و روشن با هم اند
تا که خود آید پدید لیل و نهار انقلاب
و ز تخالف ها جهان بیکران ماده را
رونق دیگر فزاید با وقار انقلاب
شمع آگاهی شود روشن به پیرامون دهر
نهضت نو پی به می آید ز بار انقلاب
اصل انسان مایه گیرد از محیط آدمی
با نبرد مردمی از جویبار انقلاب
تازه ها دارد روند کاروان زندگی
در خم هر گردش بینی شرار انقلاب
در رباب دلپذیر رشد تدریجی دهر
شهباز ما زند چنگی به تار انقلاب
انقلابی های سر در کف به آگاهی و فهم
میسازند جان خویش نثار انقلاب
نوش و نیش با هم قرین افتد ای هم رزم من
گل نمیباشد جدا هرگز ز خار انقلاب